

دکتر آگوست کنکل، ضرب المثل ها، جلسه هفتم

آگوست کنکل و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر آگوست کنکل و آموزه‌هایش در مورد کتاب امثال هستم. این جلسه شماره هفت، تقدس ازدواج، سخنرانی‌های هشتم، نهم و دهم است.

به گفتگوهایمان در باب امثال خوش آمدید. ما اساساً در مورد مقدمه‌ی خود امثال، که در فصل‌های یک تا نه آمده است، بحث کرده‌ایم. و اشاره کرده‌ایم که این بخش شامل گفتگوها، یا می‌توانیم آنها را سخنرانی بنامیم، از والدین به فرزند با برخی میان‌برده‌ها است. بنابراین، در گفتگوی امروز، کاری که می‌خواهیم انجام دهیم این است که به سه سخنرانی پایانی نگاهی بیندازیم، که تمرکز همه آنها بر چیزی است که در ارزش‌های عهد بسیار مهم است، و بنابراین در حکمت و در آموزه‌ی ترس از خدا بسیار بسیار مهم است.

آن موضوع، تقدس ازدواج است. فرضیه اساسی همان چیزی است که در کتاب پیدایش آمده است، که در آن خداوند مرد و زن را می‌آفریند. و مرد می‌گوید که این اکنون استخوانی از استخوان من و گوشتی از گوشت من است.

و بنابراین، یک مرد پدر و مادرش را ترک می‌کند و به همسرش می‌پیوندد، و آنها یک تن خواهند شد. این فقط یک گزاره بسیار سراسر است، اما بسیار عمیق است. زیرا تنها راهی که می‌توانیم انسان باشیم از طریق پدر و مادر است.

و از نظر رشد و آموزش، ما باید از پدر و مادر خود مستقل شویم. و دقیقاً همانطور که در یکی از سخنرانی‌های قبلی خواندیم، پدرم روشی را که من به شما آموزش می‌دهم به من آموخت. بنابراین، شما پدر و مادر خود را ترک می‌کنید و با فرزندان‌تان یک خانواده تشکیل می‌دهید.

اما برای اینکه این اتفاق بیفتد، باید وفاداری به عهد وجود داشته باشد. و بنابراین برای سه سخنرانی کامل تمرکز کاملاً بر حفظ این وفاداری به عهد به عنوان بالاترین اولویت است. البته، عهد گاهی اوقات شکست می‌خورد.

خود تورات این را تصدیق می‌کند. از آنجا که ما انسان هستیم و توانایی ما برای برآورده کردن خواسته‌هایمان محدود است، پیمان ازدواج مانند سایر پیمان‌ها شکست می‌خورد. اما این هرگز به معنای به خطر انداختن هدف نیست.

هدف و آرمان، حفظ آن وحدت به هر طریق ممکن است. این هدف معلم حکمت است. حال در امثال، با چهار زن روبرو می‌شویم.

و من فکر می‌کنم برای اینکه به ما در درک این سه گفتگوی والدین با فرزند کمک کند، مفید است که مطمئن شویم این زنان را که در هر مورد نماینده هستند، از هم متمایز کرده‌ایم. اما نماینده به شیوه‌ای تا حدودی متفاوت. بنابراین ما قبلاً با خرد زنانه آشنا شده‌ایم.

ما به فراخوانده شدن او در فصل ۱ آیات ۳۰ تا ۳۳ نگاهی انداختیم. در پایان این بخش خواهیم دید که او ضیافتی بزرگ ترتیب می‌دهد. و در فصل ۸ آیات ۲۲ تا ۳۱ خواهیم دید که او به نوعی همراه خداست.

او نزدیکترین روابط را با خدا دارد و از انسان‌ها لذت می‌برد. ما کمی بیشتر در مورد این نکته بحث خواهیم کرد. سپس حماقت زن وجود دارد که دقیقاً نقطه مقابل خرد زن است.

ما او را در نتیجه‌گیری این بخش در امثال ۹ آیات ۱۳ تا ۱۸ می‌یابیم. او کسی است که مظهر حماقت است. او پر سر و صدا و پر سر و صدا است.

او اغواگر است. خوراکش نان و آب دزدی است. زن سوم قبلاً به عنوان زن خارجی به ما معرفی شده است.

این کسی است که به عهد و پیمان ازدواج وفادار نیست. و ما او را در سه سخنرانی که امروز بررسی می‌کنیم خواهیم یافت. اما همانطور که در فصل ۲ به آن اشاره شد، به طور خلاصه در هدف حکمت با او آشنا می‌شویم. او با جذابیت‌هایش، با گفتار چاپلوسانه‌اش، با تمام وحشی‌گری‌ها و وسوسه‌هایی که به کار می‌برد، مشخص می‌شود.

اما پیروی از او همیشه حماقت است و پیروی از او منجر به نابودی، از دست دادن یک زندگی و در نهایت خود مرگ خواهد شد. و البته، زن چهارم شریک ازدواج، شریک وفادار ازدواج است. و در فصل ۵ آیات ۱۵ تا ۱۹، در واقع تنها بخشی از کتاب مقدس را داریم که آرمان یک رابطه زنشویی را ستایش می‌کند.

آرمانی که همه ما باید برای آن تلاش کنیم زیرا به نفع خودمان است. و به نوعی، شکی نیست که این آرمان در زنی که کتاب امثال را به پایان می‌رساند، نمایان است، که گاهی اوقات در امثال باب ۳۱ آیات ۱۰ تا ۳۱ زن شجاع یا زن قوی نامیده می‌شود. بنابراین، در سخنرانی هشتم خود، ما بیانیه‌ای قوی در مورد اهمیت وفاداری به پیمان ازدواج داریم.

با نصیحتی آغاز می‌شود که از حکمت سرچشمه می‌گیرد. حکمتی است که قرار است از ما محافظت کند. قرار است ما را از خطرات مسیر نادرستی که می‌تواند ما را به یک سبک زندگی مخرب سوق دهد، محافظت کند.

زن بیگانه کسی است که محکم ایستاده است، یعنی او عمداً راه مرگ را در امثال ۵:۵ انتخاب کرده است. پاهای او به سوی مرگ می‌رود. قدم‌های او به معنای واقعی کلمه به شئول، محل مرگ، رسیده است. او راه خلاف زندگی را برگزیده است.

بنابراین، نکته مهم برای جوانان این است که مطمئن شوند از چنین اغواگری دوری می‌کنند. زیرا چنین اغواگری یک دزد است. اول از همه، کاری که می‌کند این است که قدرت شما را می‌دزد.

اگر قرار باشد یک چیز باشد که مرد جوان را توصیف کند، آن قدرت او برای خدا و قدرت او برای زندگی شرافتمندانه است. خیانت در ازدواج این قدرت را از طرق مختلف از بین می‌برد. نه تنها از این نظر که پدر نفوذ و آموزشی را که باید بر فرزندان خود داشته باشد از دست می‌دهد، بلکه البته از نظر مالی نیز بسیار پرهزینه خواهد بود.

حال، ما این را به طرق مختلف در تورات موسی می‌بینیم. یکی از راه‌هایی که آن را به عنوان هزینه می‌بینیم. هنگام مرگ است. اما به نوعی، وقتی جدایی وجود دارد، هزینه غم‌انگیزتری است.

و بنابراین، در امثال باب ۲۴، سه آیه اول تدبیری برای محافظت از زن جدا شده در صورتی که شوهرش او را ترک کند، ارائه می‌دهند. آنچه که این تدبیر واقعاً در امثال باب ۲۴ به تصویر می‌کشد، هزینه‌ای است که این جدایی برای شوهری که او را ترک کرده است، خواهد داشت. و همیشه هم همینطور است.

این در دوران باستان بوده و در دوران کنونی هم هست. بنابراین، این یک جنبه‌ی عمل‌گرایانه‌ی آن است. اما مهم‌تر از آن، عواقب پشیمانی وجود دارد.

این نه تنها برای این خانواده مخرب است، بلکه برای کل جامعه نیز مخرب است، و این همان چیزی است که پدر، والد، به فرزند گوشزد می‌کند. یکی از اختلافات زناشویی اغلب مربوط به روابط جنسی است. و بنابراین، به این نکته خاص در آیات ۱۵ تا ۲۰ پرداخته شده است.

این آیات به زیباترین شکل این واقعیت را توصیف می‌کنند که یک رابطه تک‌همسری، اگر با نگرش درست و با ملاحظات درست دنبال شود، رضایت‌بخش‌ترین رابطه است. و بنابراین، صمیمیت در ازدواج می‌تواند مانند چشمه آب خنک باشد. این چیزی است که همیشه طراوت‌بخش و پایدار است.

و این همان چیزی است که اینجا توصیف شده است. حالا، به زبان معاصر، من اینجا چند کتاب را روی صفحه نمایش فهرست کرده‌ام که توسط برخی از زنان بسیار برجسته منتشر شده‌اند و در آنها از این واقعیت که هم روابط پی‌قید و بند و هم روابط متعهدانه را تجربه کرده‌اند، تمجید کرده‌اند. زنانی که اینجا فهرست کرده‌ام عبارتند از لورن وینر، استاد دانشگاه، و داون ادن، نام نویسنده‌اش، اما او خبرنگار روزنامه‌ای در نیویورک بود.

اما هر یک از کتاب‌های آنها، «رابطه جنسی واقعی» و «هیجان تعقیب»، چیزی شبیه یک زیارت شخصی است. اما کاری که هر دوی آنها انجام می‌دهند این است که به این واقعیت اشاره می‌کنند که رضایت‌بخش‌ترین و کامل‌ترین روابط، روابطی هستند که در آنها پاکدامنی در ازدواج وجود دارد. و آنها این موضوع را به طرق مختلف، هم درد نداشتن چنین رابطه‌ای و هم رضایتی که چنین رابطه‌ای می‌تواند داشته باشد، به تصویر می‌کشند و توصیف می‌کنند.

و بنابراین، فرد متأهل، همانطور که نویسنده در امثال توصیف می‌کند، باید در عشق خود غرق شده باشد در رضایت خود غرق شده باشد. این فعلی است که او چندین بار در این آیات تکرار می‌کند تا نوع کاملی از فداکاری را که باید نسبت به همسر خود داشته باشد، که باید نسبت به همسر خود داشته باشد، توصیف کند. این راه مستقیم است.

عکس آن، جاده پر پیچ و خم است. خداوند هدایت می‌کند، و این فعل دو بار در این متن به کار رفته است. راه‌های یک شخص در راه درست، اما این بندها و ریسمان‌ها و زنجیرهایی هستند که به دور شخصی که این آرمان را از دست می‌دهد، می‌پیچند. در سخنرانی ششم، درسی در مورد بهای بی‌وفایی به ما داده می‌شود.

با مکان منطقی شروع می‌شود. تورات چه می‌گوید؟ و در اینجا اساساً در فصل ۶، آیات ۲۰ تا ۲۴، بازگویی تثنیه ۶، ۴ تا ۹ را داریم. به یاد دارید که تثنیه ۶، ۴ تا ۹ به نوعی خلاصه‌ای از معنای تعهد به خدا به معنای ترس از خداوند است. این همان چیزی است که به عنوان شما شناخته می‌شود.

، لواوکا B'kol ، Shema Yisrael، Adonai Eloheinu، Adonai Ehad ، V'avta et Adonai Eloheka ، بکول نافشکا ، بکول مئودکا . تو باید خداوند، خدای خود را با تمام ذهنت، با تمام آرزویت و با تمام ثروت دوست داشته باشی، احتمالاً مناسب‌ترین راه برای ابراز همه اینهاست. و سپس این ارزش‌ها را در ذهن خود حک کنی تا چه از در خانه وارد شوید و چه از آن خارج شوید، چه صبح از خواب بیدار شوید و چه شب بخوابید، چه در راه باشید و چه به خانه برگردید، این ارزش‌ها شما را هدایت می‌کنند.

اکنون دقیقاً به همان متن اشاره می‌شود. تورات برای زندگی است، تورات نور است و تورات محافظ است. بنابراین، این ارزش پیمان را همیشه پیش روی خود نگه دارید.

و این مستلزم چیست؟ خب، مستلزم تأیید خانواده، احترام به پدر و مادرتان است. مستلزم تأیید ازدواج است، شما نباید زنا کنید. و این به وضوح نکته‌ی مهم این متن است.

در این فصل، در آیات ۲۵ و ۲۶، مقایسه‌ای عمدی با یک فاحشه وجود دارد. پرداخت برای رابطه جنسی که یک قیمت پولی مشخص است، از جهاتی فقط به همان قیمتی که شما می‌پردازید محدود می‌شود. اما، وقتی با همسر شخص دیگری، با زن خارجی همانطور که در اینجا توصیف شده است، سر و کار دارید، مسئله دیگری وجود دارد زیرا همانطور که این آیه می‌گوید، او در جستجوی زندگی شماست.

این به قیمت همه چیز تمام خواهد شد. و فکر نکن، حتی یک لحظه هم فکر نکن که از مجازات دخالت در پیمان ازدواج فرار خواهی کرد. چون نمی‌شود روی زغال داغ راه بروی و نسوزی.

و حتی اگر دزد باشید و به خاطر گرسنگی و فقط برای زنده ماندن، در حال دزدی برای نان دستگیر شوید، این ضرب‌المثل می‌گوید، اگر دستگیر شوید، باز هم مجازات دزد بودن را خواهید پرداخت، که شامل بازپرداخت هر آنچه دزدیده‌اید به علاوه تمام خسارات وارده است. اما برای زناکار، شرمساری بسیار بزرگتر از صرفاً دزد بودن است. این بدان معناست که شما این شرمساری را در تمام عمر خود تحمل خواهید کرد و هرگز از آن فرار نخواهید کرد.

شما گویی در یک تور گرفتار شده‌اید. چون مسلماً گره روابط با گذشت زمان بدتر می‌شود. این موضوع نیازی به توضیح ندارد.

این گره روابطی که ما در مورد بسیاری از کسانی که در این مضمعه افتاده‌اند می‌بینیم، همه جا در اطراف ماست. البته، این به آن معنا نیست که، به زبان مسیحی، این به آن معنا نیست که این نوعی گناه نابخشودنی است. اصلاً اینطور نیست.

این تنها یکی از راه‌هایی است که ممکن است زندگی ما به شکست منجر شود و ما از عواقب آن رنج ببریم. اما همیشه باید بدانیم که رحمت و رستگاری وجود دارد که خداوند به همه ما ارائه می‌دهد. در نهایت، در این سخنرانی آخر، پدر نمونه‌ای از این میل شدید به ارضای جنسی ارائه می‌دهد.

او دوباره با تأکید بر خرد شروع می‌کند. اگر به دنبال یک شریک صمیمی هستید، اگر به دنبال کسی هستید که همیشه با شما باشد، خرد این وقار را فراهم می‌کند. خرد باید محرم اسرار شما باشد.

می‌توانی همه چیز را به او اعتراف کنی. می‌توانی همه چیز را با آنچه نیاز داری بدانی به اشتراک بگذاری، و او در عوض تو را راهنمایی خواهد کرد. پس، خرد را بالاترین اولویت خود قرار بده.

و سپس او این سجاه را می‌دهد. حال، کل این سجاه بانوی شب اینجا باید کمی در متن خودش قرار گیرد. با ادامه این توصیف، چیزی که می‌بینیم این است که زنی وجود دارد که شوهرش به سفری دور رفته است.

او کیف پولش را با خود برده است. تا بعد از پایان ماه بر نمی‌گردد. او مشغول تجارت است.

و در این میان، همسرش تصمیم گرفته که خودش به نوعی رضایت خاطر پیدا کند. و نذرهایی کرده است، و حالا دارد نذرهایش را ادا می‌کند. روزها، هر چه که نذر بوده، مشخص نشده است.

روزی که نذر خود را ادا می‌کنید، شالوم است. این هدیه شالوم است. این هدیه صلح است.

وقتی به وعده غذایی مفصل می‌خوری، و غذا رو با همه تقسیم می‌کنی. و به جورایی جشن می‌گیری چون این دستاورد چیزیه که براش برنامه‌ریزی کرده بودی. و خب، این زنه، دنبال شریک زندگیش می‌گرده، و تو خیابون‌ها کمین کرده.

و مرد جوان رفته است. البته، همه اینها مجازی است، زیرا کسی که از پنجره‌اش نگاه می‌کند و این مرد جوان را می‌بیند، هرگز نمی‌تواند همه این مراحل را دنبال کند. او دارد چیزی را توصیف می‌کند که می‌داند اتفاق می‌افتد.

و او را پیدا می‌کند، در آغوش می‌گیرد، و او را مجذوب خود می‌کند و به او می‌گوید که چگونه تختش به طرز مجللی با پارچه‌های کتانی مصری پوشانده شده و چگونه آن را با عود و دارچین و هر چیز دیگری معطر کرده است. و او آشکارا زنی با اعتبار و ثروت است، که البته خطرناک‌ترین نوع زنی است که می‌توانید با او درگیر شوید یا در امورش دخالت کنید. و بنابراین، مرد جوان، که توسط او وسوسه شده است، در دام مهلکی می‌افتد، که به عنوان گاو نری که به کشتارگاه برده می‌شود توصیف شده است.

من اغلب به آن فکر می‌کنم چون این چیزی بود که مرتباً در خانه در مزرعه اتفاق می‌افتاد. و اغلب به این واقعیت فکر می‌کردم که وقتی آن روز فرا رسید و گاو را به کشتارگاه بردیم، حیوان مطلقاً هیچ ترسی نداشت. اصلاً نمی‌دانست چه اتفاقی دارد می‌افتد.

فقط آنجا ایستاده بود و همانطور که همیشه بود، بود. و بعد ناگهان، بنگ، و همه چیز تمام شد. بابت چنین توصیف واضحی متأسفم، اما دقیقاً همان چیزی است که این ضرب المثل به شما می‌گوید، گاو نری که به کشتارگاه برده می‌شود، جایی که حیوان هیچ اطلاعی ندارد که مستقیماً به سمت مرگش برده می‌شود.

و این همان اتفاقی است که برای مرد جوانی می‌افتد که مجذوب این زن هرزه شده است، و این برای او هزینه خواهد داشت. زن برای جان او کمین کرده است. بنابراین، استعاره پایانی در اینجا این است که وسوسه جنسی مانند یک حیوان و یک تله است.

گوزن نر درست به دام طناب‌ها می‌افتد. مسیر اغواگری به راحتی دنبال می‌شود، اما همیشه به همان سرنوشت، زندگی از دست رفته، ختم می‌شود. بنابراین، این نصیحت پدر است که این چیزی است که شما از قبل تصمیم می‌گیرید.

الان به این فکر می‌کنی. وقتی آن زن از راه می‌رسد یا وقتی فرصت ناگهان خودش را نشان می‌دهد، که می‌تواند به طرق مختلف، اغلب بدون هشدار یا اعلام قبلی، اتفاق بیفتد، به این فکر نمی‌کنی. این چیزی است که از قبل تصمیم گرفته‌ای.

و چون این را به شما آموخته‌اند، و چون می‌دانید، و چون اهمیت حفظ یکپارچگی خانواده را می‌دانید، این مسیر گمراه‌کننده‌ای است که از راه مستقیم دور می‌شود و شما باید مراقب باشید از آن اجتناب کنید تا همانطور که در فصل ۵ به آن اشاره شده است، (etzev) بتوانید از قدرت کار خودتان، یا همان اتزو، لذت ببرید. آن زحمت، آن کار، آن عرق ریختن، هر چیزی که برای زندگی‌تان در کارتان سرمایه‌گذاری می‌کنید در نهایت متعلق به شما خواهد بود و قرار نیست آن را به شخص دیگری بدهید، چه برای حمایت از فرزندان که آنها کنترل آنها را بر عهده دارند و چه برای حمایت از پرداخت‌هایی که باید انجام دهید. در

دوران باستان، این امر از نظر زمین و سایر منابع بود. اما به جای اینکه انسجام خود را به عنوان یک خانواده حفظ کنید، زحمات شما متعلق به شما خواهد بود و زندگی شما به زمین تعلق خواهد داشت.

همانطور که ملاکی نبی می‌گوید، برای تأکید بر اهمیت وفاداری به همسر دوران جوانی، هر چه بگوییم کم است.

من دکتر آگوست کانکل و آموزه‌هایش در مورد کتاب امثال هستم. این جلسه شماره ۷، تقدس ازدواج، سخنرانی‌های ۸، ۹ و ۱۰ است.